

# تعلیم و تربیت

شماره چهارم

تیر ماه ۱۳۱۳

سال چهارم

## ملاحظاتی راجع بامتحانات متوسطه

نگارش آقای دکتر رضا زاده شفق

یکی از مسائل تعلیم و تربیتی که از مدتی با بنظر طرف در میان علمای اینعلم مورد مباحثات بوده مسئله امتحانست. امتحان عبارت است از آزمایشی محصل برای بی بردن بدو چیز یکی حجم معلومات و دیگری استعداد واقعی. در واقع توان گفت یکی آزمایش کمی است و ان دیگری کیفی مثلا وقتی میخواهیم بدانیم شاگرد چه مقدار از تاریخ ایران را میداند نظر به مقدار معلومات اوست ولی وقتی میخواهیم بفهمیم آیا محصل مطالب تاریخ را فهمیده و قضاوت او در مسائل تاریخی تاجه پایه است و بطور کلی روح مواد تحصیلی را دریافته یا نه در اینصورت بیشتر کیفیت هدف امتحان ماست نه کمیت و بدیهی است که غایت تحصیلات اولی است.

در هر صورت امتحان خواه کمی باشد و خواه کیفی کار بست مشکل و آزمایشی است دشوار و هر چه بگوئیم: **بالامتحان یکرم المرء اویهان و یا قول شاعر را نقل کنیم:**

**خوش بود گر محک تجربه آید بمیان**

**تا سیه زوی شود هر که در او غش باشد**

عمل امتحان به ترتیباتی که تا کنون در دنیا معمول بوده خالی از نقص و اشکال نیست و آشکار است که عمده دشواری در اینست آیا امتحان بطرزى که معمولست می تواند ملاک حقیقی استعداد و معلومات محصل گردد یا نه - (چه ملاک حقیقی نماینده حقیقت خارجی است چنانکه بخودی خود هست نه چنانکه در فکر شخص ممتحن جلوه میکند. اینک اشارات ذیل نشان میدهد که این مقصود همیشه حاصل نمیشود و حکم امتحان ممکن است قطعی نباشد:

۱ - چنانکه مشهور و غالبا مبتلا به است محصلین بطور کلی در موقع امتحان دچار بیم و هراس میگرددند و از حال طبیعی خارج می شوند و گاهی ازین راه بکنوع فلج ذهنی بر آنها رومی دهد و چاه از راه و سفید از سیاه در نمی یابند پس نمی توانند جواب پرسش ها را ادا کنند -

۲ - زحمت و کوشش زیاد روزان و شبان قبل از اوقات امتحان خود ذهن را خسته و

فکر را مشوش می کند و محصل ازین جهت نیز پریشان حواس و فرسوده می گردد و از دادن جواب درست باز می ماند .

۳ - بموجب دو ملاحظه فوق اگر محصلی کم حافظه و بشعور اتفاقا بی حس و خون سرد هم باشد یعنی از امتحان متأثر نباشد می تواند بواسطه محفوظاتی بتصادف جواب سئوال را بخوبی بگوید و بنویسد زیرا :

### گام باشد که کودک نادان بغلط بر هدف زند تیری

و با این ترتیب نمره خوبی اخذ کند و از هم مدرسان باهوش ولی کم طالم خود جلوتر بیفتد .  
 ۴ - پرحرفی و طلاقت بیان و حسن خط و روانی انشاء و مسائل دیگر فرعی مانند تصادف به اول وقت و آخر وقت جمله در نتیجه امتحان مؤثر است و بتجربه دیده شده بعضی از محصلین رند بقدری بتأثیر الفاظ و عبارات عقیده دارند که بدون تهیه مطالب در شفاهی و کتبی جمله های نامربوط ولی خوش ظاهر و مسلسل با کمال تهور تحویل معلم میدهند و گاهی بعدی در این قسمت دور می روند که در طی امتحانات کتبی اوراقی بدست می آید بکلی بی معنی و شاهکار مهمل گوئی و اگر آنها را از ته بخوانی یا جمله هارا بهم زنی و دوباره بخوانی فرقی از هیئت سابقش نخواهد داشت و بسا اتفاق می افتد که محصل با استعمال این خدعه ولو بدرجه خفیفتری باشد بمقصود میرسد .

از طرف دیگر چنانکه محصلین اسیر حالانند معلمین هم هستند و دنیا را از دریچه چشم خود می بینند و اگر قول روان شناس معروف آبریکائی ویلیام جیمس صحیح باشد که گفته هر کسی جهانی مخصوص خودش دارد آنگاه باید گفت محصل در جهانی دیگر است و معلم در جهانی دیگر و سخت است معلم از خودش بیرون شده و حقیقت خارجی را بکمال دریا بد. برای روشن ساختن این مدعا می توان نکات ذیل را متذکر شد .

۱ - اطوار و رفتار و طرز گفتار محصل در روح ممتحن مؤثر است و هیچ استبعاد ندارد در نمره محصل هم بدون قصد تأثیر داشته باشد .

۲ - مسبوق بذهن بودن ممتحن خالی از تأثیر نیست فرضا اگر قبلا باو بگویند فلان دسته محصلین بسیار با هوشند یا بالعکس این عقیده در تخمین نمره می تواند لاعن شعور تأثیر نماید .

۳ - ممکن است قسمتهائی از مواد امتحانی را معلم بهتر از دیگر قسمتها بداند یا بیشتر دوست دارد و هرگاه محصلی اتفاقا آن قسمت را خوب تقریر نمود در نظر ممتحن بی اختیار جلوه خواهد نمود بسا که در نمره اجرای تأثیر خواهد کرد .

۴ - بطور کلی تخمین ارزش صحیح امتحان و مخصوصا در یافتن فرق یکی دو نمره مانند ۲۰ و ۲۰٫۱۴ برای ممتحن بسیار سخت است چون میزان خارجی ریاضی برای تقدیر نمره بطور مستقیم در دست ندارد و مبداء نمره تاثرات نفسانی است که محل خطاست .

۵ - ممتحن نیز مانند محصل ممکن است خسته یا عصبانی و شاد یا غمگین باشد روزی عواطف بشری و حس مساعدت و ارفاق او در حرکت بوده روز دیگر مزاج سوداوی او غالب نماید یکی از مورخین گفته ناپلئون در روز (واترلو) سوء هضم سختی داشت و اگر حالش بهتر بود شاید کارها دیگرگون ترمی شد ! اگر تاثرات روحی اینگونه در سیاست مدن مؤثر باشد چرا در امتحان نباشد ؟

یکی از پروفسر های معروف اروپا را تعریف کردند که خواب و خوراک شب و پیش آمد های شخصی او در امتحان و نمره روز بعد مؤثر بوده !

این چند مثال بوجه نمونه ذکر شد و اگر بنا به تفصیل بود نکات زیاد در این باب میشد گفت ولی چیزیکه در اینموقع قابل ذکر است همانا مسئله تقاب است از طرف محصل و غرض و عناد از طرف ممتحن که کار امتحان را سختتر میکند. در تمام ممالک عالم خاصه در ممالکی که اخلاق مردم متزلزل و اصول ندریسات غلط است تقاب در امتحانات رواج دارد و در واقع اگر شخص بخواهد انواع و اقسام وسایرا که محصلین برای تقاب بکار می برند در نظر گیرد و آنها را ثبت نماید کتابی از فتنه و نردستی و نادرستی بشر بوجود خواهد آمد. از طرف دیگر اعمال غرض یا اغماض و طرفگیری یا عکس آن در مورد بعضی ممتحنین و معلمین ممکن بوده هست. پس اگر این قسمت تقاب را هم ضمیمه اشکالات دیگر نمایم سحتی کار امتحان روشتر خواهد بود و آنهایی که بکلی مخالف با طرز معمول امتحان هستند در نظر ما حتی پیدا خواهند کرد.

بعد از ذکر این مطالب کلی در نواقص امتحان بجا بود از پیشنهاد های مختلف که علمای تعلیم و تربیت برای اصلاح نواقص آن کرده اند صحبت شود ولی این مسئله را بموقع مناسبتری باز گذاشته و بدگر نواقصی که در امتحانات متوسطه طهران مشهود گردید می پردازد:

نخستین ملاحظه که میتوان در این باب اظهار نمود مسئله مرکزیت امتحانات است که در ایران مرسوم شده این موضوع در ممالک دیگر هم مورد توجه و مباحثه بوده و در ممالک و محسنات آن آراء و عقاید اظهار شده است. از محسنات اساسی این ترتیب بگنواخت بودن سئوالات یعنی محفوظ ماندن سوبه تحصیلات و نظارت کامل وزارت معارف است در امتحانات ولی معایبی نیز بران مترتب است که اهم آن از بین رفتن استقلال و شخصیت مدارس و معلمین و تابع شدن ذهن ها به بگنواختی و رواج حفظ کردن مطالب بیشتر از فهمیدن آنها و نشستن اشخاص بیگانه بجای معلمین دروس درموتم پرسش خلاصه رسمی و ظاهری و نظامی منس و متحدالشکل شدن امتحانست و مسلمست که هر موضوع اجتماعی وقتی متحدالشکل شد معنی و اهمیت انفرادی را می بازد و این زبان اقلا در عالم علم و تربیت مقبول نیست. می توان گفت در نظام همه افراد بکجر کت نمایند در باغ همه شمشادها یک شکل و ارتفاع داشته باشند ولی نمیتوان گفت همه فکر ها یک حد و یک شکل داشته باشند گذشته ازین ایراد کلی راجع بتمرکز امتحانات ایراداتی بطور خاص بامتحانات متوسطه طهران وارد است که بطور اشاره ذیلا ذکر می شود:

۱- امتحان شدن محصل از طرف اشخاصی که غیر از معلمین او هستند خلی از اشکال نیست. با اینکه علوم و وحدت دارد و مطالب از روی پروگرام تدریس می شود باز اشخاص یکی نیستند و نباید هم بشوند زیرا انسان ماشین نیست. پس بالطبع موضوع بالاشخاص و کتاب ها فرق میکند. درست است  $\times$  و  $\epsilon$  شانزده می شود ولی طرز تدریس و لحن و ذوق معلم و ترتیب کتاب درسی مختلف است. اگر یک ورقه (نوت) موسیقی از طرف دو استاد زده شود با اینکه منن نوت یکی است تأثیر و لحن آن با وجود این دو اسناد تفاوت خواهد داش. اگر دو نقاش ماهر عین یک تصویر را بکشند و عرض و طول و رنگ او را عین هم سازند باز جلوه هر نقشه تابع روح و عواطف نقاش خواهد بود. همچنین اگر دو معلم از یک کتاب تدریس نمایند در تاثیر مختلف خواهند بود زیرا فکر و احساسات و تجارب و تمایلات و سابقه تحصیلات هر یک شخصی است و متفاوت است. تا چه ماند وقتی کتاب مشترک هم در بین نباشد و پروگرام تفصیل

دروس را معین نکرده باشد و در عرض سال هم مردم از حیث اینکه بر گرامر تجدید خواهد شد نگران و بلا تکلیف بوده باشند .

۲ - این اشکال مضاعف میشود وقتی که محصلین بزبانهای مختلف تحصیل میکنند چنانکه در امتحانات متوسطه محصلین چهار دسته بودند که تحصیلات خود را بفارسی یا فرانسوی یا آلمانی یا انگلیسی بجا آورده بودند . سئوالات بکنواخت از طرف اشخاص بیگانه آنهم تنها بیکی ازین زبانها مثلا بفرانسوی تهیه شده و بعجله تمام از طرف معامین ترجمه می شد و ناچار مطالب سئوال تا حدی قابل ترجمه بود ولی چون اسلوب واصطلاحات هر زبان تا درجه ای مخصوص آن زبانست در موقع نقل البته اسباب اشکال می گردید و ممکن است خود سنخ سئوال و طرح مسئله موافق ذوق معلم بخصوص بکدسته مثلا معلم آلمانی نبوده و در عرض سال هم محصلین خود بآن را عادت سنخ استدلال نداده است .

با این ترتیب تحصیل سئوالی که از طرف معلم دیگری تهیه شده بآنها بیکه با آس و آشنائی با طرز فکر او ندارند آنهم در زبانی غیر از زبان تحصیلی او تکلیف مالا بطاق و از حق و عدل دور است .

۳ - وقتی امتحانات مرکزیت پیدا نمود باید فکر جای مناسب هم کرد و مقصود از جا تنها فضا نیست که از رواق و راهرو و دالان و سالن و پشت بام استفاده شود همچنین وقتی چهار صد و پنجاه محصل در یک مرکز جمع شدند گذشته از فکر کنترل و ترتیب باید فکر عکس صدا و تناسب جهات و روشنائی و هوا و آرامش محل امتحان را نمود و نمی شود محصلین را مانند هیزم و زغال بهر گوشه ای گنجانید مخصوصاً مسئله عکس صدا مهم است و اگر فضای امتحان مطابق قوانین صدا ساخته نشده و تقریر سئوال و مخصوصاً تقریر دیکته تا بگوش محصل برسد بارتماشائی کج و پیچ برخوردار و «شیر» «شتر» شنیده می شود در اینصورت انتظار جواب صحیح از محصل کمی بی انصافی است خاصه وقتی زبان هم زبان خارجی و معلم بیگانه و نام آئوس باشد و محصلین ندانند این شخص که دیکته میگوید ادغام میکند باغنه یا اشباع یابد یا قصرا و چون هر کویند دیکته منتظر است **قرائت و تجوید او را نمونه و ضرب المثل گیرند و در فصاحت او را تالی سبحان و ثانی حسان دانند و او را «افصح من تکلم بالاضاد» شمارند و غنه و وقفه و اماله او را از هر حیث کافی و کاری بندارند پس استیضاح و سئوال را هم محل باقی نمی ماند .**

۴ - از اشکالاتی که هم امسال و هم در سالهای گذشته پیش آمده یکی اینست که بعضی معلمین پروگرام را در عرض سال تمام نمیکنند و عده ای از محصلین ناقص و با نصف پروگرام دروس حاضر جلسه امتحان می شوند و این قضیه اسباب زحمت و شکایت میگردد تا اینکه کارزار نوعی بین نفاق و ارفاق خانمه می یابد یعنی میان زوری و معلم ائتلافی حاصل میگردد ! اگر صرف سیگار و استراحت و نوش چای و شربت و صحبت و تفنن بعضی از آقایان مفتشین و معلمین در سالن امتحان و خرخر کفش مفتشین سیار و نغمه آب یخ و وطنین در و صدای پنجره فرصتی کوچک ببعضی محصلین نمیداد که اقلاً « ساعت » را از هم مدرسان خود بپرسند کارشان مصیبتی بود و تخفیف الامی حاصل نبود !

برای اجتناب ازین آشوب البته راههای چاره زیاد است و در اینموقع نویسنده آنچه را که اساسی می داند ذکر می نماید که بهتر است امتحان تحت اصول علمی مبنی بتدریج روبه قدم مرکزیت برود و غایت این حرکت در دست آخر جریان امتحان مستقل در هر مدرسه بواسطه معلمین مدرسه باشد نهایت در تحت نظارت کامل وزارت معارف . البته قید تدریج مشعر بر این است که این منظور باین زودی ها عملی نخواهد بود .

**دکتر رضا زاده شفق**